

بازشناسی و سطح‌بندی گستره‌های فضایی فقر در کلان‌شهر اهواز

سیدمهدی موسی کاظمی^۱ - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مسعود صفائی پور - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

عبدالنبی شریفی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

خلف عنافجه - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۱

چکیده

همواره بافت‌های ناکارآمد، فرسوده و مشکل‌دار شهری نمود فضایی آشکاری از بزرگ‌ترین مصیبت بشری در حوزه نابرابری‌ها یعنی فقر بوده‌اند. با این حال به‌رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته از سوی محققین و مدیران شهری برای ارتقای کیفیت زیستی در گستره‌های فقر، همچنان تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری در اغلب تحقیقات خاص مرتبط با این سکونتگاه‌ها تا حد زیادی به‌دورمانده است. با توجه به این ضرورت اساسی، هدف اصلی مقاله حاضر، بازشناسی و سطح‌بندی گستره‌های فضایی فقر در کلان‌شهر اهواز با محوریت پرداختن به همین ساختارها می‌باشد. مقاله حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی. تحلیلی و پیمایشی است. بر پایه شاخص‌های قدیم و جدید بافت فرسوده و ناکارآمد، از طریق تکنیک پویس محیطی به تدوین مبانی تئوریک و قواعد پژوهش اقدام و ۴۲ محله دارای بافت مشکل‌دار به‌عنوان گستره فضایی فقر شهری در کلان‌شهر اهواز شناسایی و سپس با لحاظ معیارهای چندگانه رتبه‌ساز در ۵ گونه مختلف دسته‌بندی شدند. در نهایت گونه پنجم (بافت‌های فرسوده و ناکارآمد) شامل ۱۱ محله به‌عنوان محلات هدف مطالعه، بازشناسی و سطح‌بندی شدند. اطلاعات موردنیاز از ۴۹ شاخص عمومی فقر یا ساختار فقر شهری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و-زیست‌محیطی از طریق ۴۵۷ نمونه حاصل از فرمول کوکران و جدول مورگان در قالب پرسشنامه جمع‌آوری شده است. داده‌های حاصل در نرم‌افزار SPSS به‌وسیله دو تکنیک Z-Score و SAR به‌صورت ترکیبی برای سطح‌بندی وضعیت عمومی فقر محلات هدف، تجزیه و تحلیل شدند. بر پایه مقایسه ترکیبی امتیازات دو مدل و رتبه‌بندی نهایی به‌دست‌آمده، محله عامری در سطح اول، صخیریه، علوی و حصیرآباد به‌طور مشترک در سطح دوم، عین‌دو، علی‌آباد، صیاحی، ملاشیه، منبع‌آب، کوی کارون و کوی آل‌صافی به ترتیب در سطوح سوم تا نهم از لحاظ وضعیت عمومی فقر بر اساس تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: گستره‌های فضایی فقر شهری، ساختارهای فقر شهری، سطح‌بندی، کلان‌شهر اهواز.

مقدمه

شهر جلوه‌ای از اقتصاد سیاسی و بازتاب فضایی تفاوت ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی است که در ساختار کالبدی تجلی می‌یابد (عبدی دانش‌پور، ۱۳۸۷: ۳۷). اگر شهرها را به‌عنوان پدیده‌های مکانی-زمانی که در نقطه‌ای خاص ایجاد شده، در فضا تکامل یافته و با گذشت زمان رشد می‌یابند در نظر بگیریم، فقر نیز بخش جدایی‌ناپذیری از این پدیده را شکل داده که در نقاط شهری مختلف جهان با درجات گوناگونی تبلور یافته است. فقر را می‌باید یک مقوله سیاسی-اقتصادی معرفی کرد که حاصل سازوکارهای نظام حاکم بر جامعه است (پالیزبان، ۱۳۸۹: ۱۴). یکی از چالش‌های مهم مدیریت شهری امروز مسئله فقر است که به‌عنوان بزرگ‌ترین مصیبت بشری مطرح می‌باشد. موفقیت در چیرگی بر چالش‌های مهمی همچون فقر در مدیریت شهرها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نیازمند دیدگاه‌ها و اقدامات نوینی است که فراتر از مدیریت شهری سنتی است.

فقر در دو سطح فقر مطلق و فقر نسبی مطرح می‌شود. بوث و راونتزی فقر مطلق را عدم توانایی در تأمین احتیاجات و کسب حداقل استانداردهای زندگی و فقر نسبی را ناتوانی در کسب سطح معینی از استانداردهای زندگی تعریف کرده‌اند که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شوند (سانیال، ۲۰۱۵: ۱۳۷). خط فقر نسبی بالاتر از خط فقر مطلق قرار دارد. فقر نسبی یک مفهوم قراردادی است و در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی دارد (نادمی و جلیلی کامجو، ۱۳۹۷: ۶). در مالزی دوسوم میانگین درآمدی و در آمریکا چهارپنجم میانه درآمدی معیار فقر نسبی تلقی شده است (فاستر، ۱۹۹۸: ۳۴). طبق گزارش بانک جهانی از خط فقر، وضعیت فقر در جهان دستخوش تحول اساسی شده و تعداد فقرا به‌ویژه افراد دچار فقر شدید، افزایش یافته به‌طوری‌که بیش از یک‌چهارم جمعیت کشورهای در حال توسعه در فقر به سر می‌برند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۱).

بررسی دقیق‌تر چالش فقر شهری نشان می‌دهد که فقر دارای نوعی ماهیت و ساختار چندگانه و ترکیبی است و بنابراین به تحلیل درست از ساختارها نیازمند است. برای مثال تناسب زیرساخت‌ها، امکانات رفاهی و ساختمان‌ها با شرایط فقرا در مناطق و شهرهای کمتر توسعه یافته (ناچندرا و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۴۲)، یا مشکلات مربوط به مزایا، پتانسیل‌ها، نقاط ضعف، خطرات پهنه‌های فقیرنشین و کمبود منابع مالی و انسانی برای مدیریت شهری در آن مناطق (بولای و کرن، ۲۰۱۹: ۲۱۷). همچنین در مطالعه بافت‌های فرسوده و ناکارآمد که باز نمود مکانی-فضایی فقر در پهنه‌های شهری هستند (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۴)، اغلب به ابعاد کالبدی بافت توجه می‌شود و از پرداختن به جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی مولد ناهنجاری‌های کالبدی غفلت می‌شود (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۴۴). در واقع به نظر می‌رسد که پیش از آنکه به سازوکارهای ساماندهی این‌گونه از سکونتگاه‌ها اندیشیده شود بایستی ریشه‌ها و بنیادهای شکل‌گیری آن بررسی گردند (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). انتظامات فضایی شهرهای امروزی که بر مبنای یک گفتگوی اجتماعی میان‌رشته‌ای شکل گرفته در پژوهش‌های جغرافیای شهری معاصر و آینده منعکس است (بولای، ۲۰۲۰: ۲۰۸). مرور متون و ادبیات مختلف بافت‌های ناکارآمد و فرسوده، ما را با انبوهی از اصطلاحاتی مواجه می‌سازد که در پژوهش‌های علمی به دلیل تفاوت در ماهیت و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی شهرها، ناظر بر باز نمود فضایی فقر و محوریت زوال کالبدی آن‌هاست. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، کپر، زاغه، حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی، بافت‌های مزمن و مسئله‌دار و ... از جمله این مفاهیم هستند.

گستره‌های فضایی فقر دربرگیرنده اشکال، عناوین و علل شکل‌گیری متفاوت آن در شهرها، ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت است که از لحاظ دستیابی به خدمات و امکانات شهری با محدودیت‌هایی روبرو بوده و کیفیت زندگی

در ابعاد مختلف آن (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی) از شرایط مطلوبی برخوردار نیست (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). آبرامر (۱۹۷۰) گستره فضایی فقر را چنین معرفی کرده است: محله‌هایی که از انبوه اجاره‌نشینان تهی‌دست پدید آید، یا از کسانی که مالک ملک در حال انحطاط خویشتن هستند. زمین این‌گونه خانه‌ها می‌تواند قانوناً ملک ساکنان به شمار آید و یا به تصرف غیرقانونی آن‌ها درآمده باشد (همان به نقل از پاترو ایوانز، ۱۳۸۴: ۱۶). هرچند گستره‌های فقر به‌واسطه تبعات سوء خود موردتوجه جوامع محلی و جهانی قرار گرفته‌اند ولی علی‌رغم تلاش‌ها برای ارتقای کیفیت سکونت در گستره‌های فقر همچنان تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری در بررسی مسائل این گستره‌ها مغفول مانده است. کلان‌شهر اهواز از جمله شهرهایی است که به‌رغم برخورداری از صنایع بزرگ با فضاهای مشکل‌دار، فرسوده، ناکارآمد و ناهمگون در درون و حاشیه مواجه است. از طرفی افت شدید کیفیت و منزلت و تبعات سوء بازتاب فقر در برخی مناطق آن مدیران شهری را به تکاپو و چاره‌جویی وامی‌دارد. در کشور ما (ایران) سه شاخص ریزدانگی، نفوذناپذیری و ناپایداری با محوریت کالبدی، سال‌ها ملاک تشخیصی بافت‌های مشکل‌دار بوده است. شاخص‌های ابلاغی جدید وزارت راه و شهرسازی از قبیل ناهنجاری، آلودگی زیست‌محیطی، ناپایداری شهری، ازدیاد بیکاران در محل، وابستگی زیاد به مشاغل غیررسمی و غیره هنوز هم تعریف عملیاتی دقیق نشده‌اند. در این مقاله بنا به‌ضرورت تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری پهنه‌های هدف و به‌منظور ایجاد لایه اطلاعاتی و زمینه‌سازی برای تهیه و اجرای برنامه‌های فقرزدایی و ارتقای کیفیت سکونت در گستره‌های فقر کلان‌شهر اهواز، و پاسخ به سؤال چگونگی وضعیت عمومی فقر و ساختارهای آن در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد کلان‌شهر اهواز، دو مسیر اصلی دنبال می‌شود:

اول: سعی شده تا با یک تفسیر فنی از هر دو گروه شاخص‌های قدیم و جدید بافت‌های فرسوده، به یک گونه‌بندی درست و روش‌مند از بافت‌های مشکل‌دار (گستره‌های فضایی فقر) برسیم و سپس گونه بافت‌های فرسوده و ناکارآمد را بازشناسی کنیم که درمجموع دارای بدترین وضعیت فقر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی هستند. دوم: پس از بازشناسی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد کلان‌شهر اهواز، به سطح‌بندی آن‌ها به‌منظور تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری پهنه‌های هدف و درک وضعیت عمومی فقر در آن‌ها اقدام می‌شود.

آغاز مطالعات درباره فقر، با تحقیقات چارلز بوث در لندن و سیبهم رونتیری در نیویورک به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در بریتانیا برمی‌گردد (سانیال، ۲۰۱۵: ۱۳۷ به نقل از آروین ۱۳۹۸). ازجمله پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه فقر شهری در سال‌های اخیر مواردی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

آکینمی و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان یک تحلیل فضایی از فقر در کیگالی پایتخت رواندا، از شاخص‌های استاندارد خانوار استفاده کرده‌اند و با استفاده از تکنیک‌های تحلیل فضایی چهار بعد هزینه/درآمد، بهداشت، آموزش و دسترسی به خدمات را در گستره‌های فضایی فقر مشخص کرده‌اند. نتایج حاکی از آن بود که تعیین محدوده گستره‌های فقر از اقدامات اولیه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای ورود به این گستره‌ها به شمار می‌رود و بنابراین نیاز به شناخت خصیصه‌های مؤثری است که بتوان آن‌ها را در سکونتگاه‌های شهری موردبررسی قرار داد. ناچندار و دیگران (۲۰۱۸) در نتیجه‌گیری از یک مطالعه مقایسه‌ای تطبیقی انجام‌شده در کشورهای کمتر توسعه‌یافته که عبارت‌اند از: آفریقای جنوبی، ویتنام، بولیوی، بلغارستان، برزیل، بورکینافاسو و مغولستان متوجه شدند که در همه موارد، استانداردهای انتخاب‌شده از نظر زیرساخت وجود دارد ولی امکانات رفاهی و ساختمان‌ها متناسب با شرایط فقرا نبوده و درواقع یک سیستم معیوب است که برای شهروندان با قدرت اقتصادی و سیاسی بالاتر و معیارهای متناسب با آنان طراحی شده و پویایی فضایی قدرت به ضرر فقرا عمل کرده است.

بولای و کرن (۲۰۱۹) به مطالعه نقش اقتصادی شهرهای واسطه‌ای از قبیل: کوالامپور مالزی، سوزهوک، هایوان و شانگهای چین، پورت آوی پرنس هائیتی، تولوکا مکزیک و دوالا کامرون پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که برنامه‌ریزی و اداره شهرهای کوچک و متوسط در تطابق با زمینه خاص شهر (مزایا، پتانسیل‌ها، نقاط ضعف، خطرات و ...) باید بر سه مسئله اصلی تأکید کند. اول چاره‌جویی برای مشکل کمبود منابع مالی و انسانی برای مدیریت شهری به روش جامع. دوم تمرکززدائی و افزایش خودمختاری که باعث می‌شود مناطق مقرون‌به‌صرفه توسعه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی فرصت‌های جدیدی را برای مردم و مشاغل فراهم کنند و وضعیت فقر مناطق را ارتقاء بخشند. سوم منافع خاص اجتماعی - اقتصادی - سیاسی که نتیجه نابرابری‌های غیراجتماعی و ویژه است و از موجودیت غیر پراکنده شهرها ناشی می‌شود.

برای و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش‌های اقتصادی که در کشورهای بنگلادش، آمریکا، انگلستان، بولیوی، فرانسه، تانزانیا انجام گرفته دریافتند که گروه‌های پردرآمد هنوز از فرهنگ فقر حمایت می‌کنند چون گناه فقر را به گردن خود فقیران می‌اندازند و این امر به مذاق ثروتمندان خوش می‌آید. در این دیدگاه همچون وسیله‌ای برای تحریف این واقعیت اجتماعی عمل می‌کنند به گونه‌ای که منابع اجتماعی زورمندان را برآورده سازد. پس نتیجه می‌گیرد که این دیدگاه برخلاف سادگی پایه‌اش واقعیت ندارد زیرا فقیران در برابر حق انتخاب‌ها و امکاناتی که در رابطه با وضعیت مسکن پیش روی آنان باز می‌شود پاسخ عقلانی و منطقی داده‌اند. پژوهش سازمان جهانی گردشگری (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که تنوع حوزه‌های فقر خیز و استراتژی‌های مسئولیت‌های اجتماعی (CSR) می‌تواند در دستیابی به اهداف هزاره سوم (MDBS) کمک کند. در این گزارش آمده است که ضرب‌الاجل سال ۲۰۱۵ برای رویکردهای اهداف توسعه هزاره سوم، سازمان جهانی گردشگری و بخش خصوصی را به کمک برای بررسی چالش‌هایی مانند فقر، گرسنگی، تبعیض جنسیتی و تنزل‌های زیست‌محیطی دعوت می‌کند. در رده سازمانی نهادی نیز از جمله مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره فقر مربوط به اقدام‌های صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (۲۰۰۲)، صندوق جمعیت سازمان ملل (۲۰۰۵)، بانک جهانی (۲۰۰۷)، سازمان یونسکو (۲۰۱۵)، سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۹) و فراخوان جهانی اقدام علیه فقر (GCAP) است. مهم‌ترین سازمان‌های جهانی فعال در کاهش مقابله با فقر شهری بانک جهانی، و مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد با نمایندگی هیئات هستند (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۷). همچنین از جمله تحقیقات داخلی در خصوص تحلیل فضایی ساختارهای فقر به مطالعات زیر می‌توان اشاره کرد:

بمانیان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان ارزیابی خصیصه‌های اقتصادی در شناسایی گستره‌های فقر شهری کاشمر به منظور روشننگری در خصوص تصور عام کارشناسان برای بسط چنین گستره‌هایی و جایگاه خصیصه‌های اقتصادی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که از میان ۴ مؤلفه موردبررسی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی)، دو مؤلفه محیطی و کالبدی، بیشترین همبستگی را با شکل‌گیری و بسط گستره‌های فقر داشته و مؤلفه اقتصادی با همبستگی ۵۷ درصد در رتبه سوم همبستگی با چنین گستره‌هایی قرار دارد. رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد به مطالعه و شناخت دقیق پهنه‌های فقر به واسطه اثرات سوء اقتصادی - اجتماعی شهر پرداختند. نتیجه آنکه ۱۲/۲ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ۱۹/۵ درصد فقیر، ۲۶/۸ درصد متوسط، ۳۶/۶ درصد نیز مرفه هستند و فقط ۴/۹ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند. زنگانه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی گستره‌های فضایی فقر شهر اراک را به منظور بررسی عدم تعادل اقتصادی اجتماعی شهر اراک و وجود گستره‌های فضایی فقر در حاشیه‌های شهر بررسی کردند. سطح‌بندی گستره‌های شناسایی‌شده حاکی از آن است

که به لحاظ برخورداری و شرایط مطلوب زیستی بخش مرکزی در رتبه اول، و کوی قنات ناصری در رتبه چهارم قرار دارند. سیانی و حقی (۱۳۹۵) در پژوهشی به تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی نسیم شهر تهران پرداختند بنا به ضرورت بی‌عدالتی در نحوه توزیع اعتبارات و تسهیلات، به رکود و انزوا کشاندن نواحی نتایج حاکی از آن بود که محدوده‌های حصارک پایین و وجه آباد، محدوده جنوبی احد آباد و کلمه به لحاظ شاخص‌های مختلف اجتماعی و کالبدی، از جمله محدوده‌های آسیب‌پذیر نسیم شهر و دارای بالاترین میزان فقر شهری هستند. محلات اسماعیل آباد و هسته مرکزی شهر از نظر شاخص‌های موردبررسی در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند.

نظریور دزکی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی برنامه‌ریزی راهبردی توسعه محلات دارای فقر شهر با استفاده از تکنیک (AIDA) در بافت فرسوده اهواز، زیست‌پذیری کلان‌شهر اهواز از طریق شناسایی و تشخیص محلات فقر را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که در میان مناطق کلان‌شهر اهواز منطقه ۲ با ۰/۷۴ امتیاز در میان سایر مناطق در وضعیت برخورداری قرار دارد و منطقه ۷ با ۰/۲۵ در بدترین وضعیت زیست‌پذیری. در میان ابعاد به‌کاررفته در پژوهش، بعد زیست‌محیطی با امتیاز ۰/۶۳ بیشترین تأثیر در وضعیت زیست‌پذیری کلان‌شهر اهواز داراست. روستایی و کرباسی (۱۳۹۷) در مقاله خود به شناسایی و ارزیابی گستره‌های فقر شهری در محلات شهر مراغه پرداختند نتایج حاکی از آن است که فقر شهری مراغه به لحاظ اجتماعی اقتصادی نامتعادل و دارای گستره‌های فقر در حاشیه‌های شهر است. ۱۱/۵ درصد از محلات شهر مراغه خیلی فقیر، ۴۶/۹۲ درصد فقیر، ۴۲/۳۱ درصد متوسط، ۱۱/۵۴ درصد مرفه و ۱۷/۶۹ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند و بین بلوک‌های شهر مراغه نابرابری وجود دارد. آروین و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان تحلیل فضایی پهنه‌های فقر شهر قائم‌شهر بنا به ضرورت شناخت فضایی وضعیت فقر با استفاده از شاخص‌های مناسب به مطالعه پرداختند. نتایج گویای آن بود که بخش‌های مرکزی شهر در اطراف میدان‌های اصلی از نظر شاخص‌های پژوهش وضعیت مناسبی دارند و در مناطق شماره ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ که در نیمه جنوبی و شمال شرقی قرار گرفته‌اند، فقر شهری بیشتر جلوه می‌کند.

مبانی نظری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، برای بافت‌های شهری با نگرش به فقر شهری، اصطلاحات متعددی از سوی صاحب‌نظران، متخصصین، دست‌اندرکاران و پژوهشگران بیان می‌شود. علت این امر آن است که یک بافت شهری با نگاه به فقر شهری، با تعداد زیادی شاخص تعریف می‌شود که هرکدام از آن‌ها بنا بر استانداردها می‌تواند وضعیت‌های مختلفی را نشان دهد. بنابراین علت تقسیم‌بندی‌های متفاوت اصطلاحی در بحث بافت شهری، به نحوه نگرش به بافت، وضعیت موجود بافت و اختلاف در سیر تحول و علت رسیدن بافت به نقطه کنونی و وضعیت کنونی در نظر متخصصین است. اصطلاحاتی چون بافت فرسوده، ناکارآمد، مزمن و مسئله‌دار شهری، حاشیه‌نشینی، گودنشینی، اسکان غیررسمی، کپرنشینی، بافت نابسامان، بی‌غوله‌نشین و غیره، نیز ترجمان‌های مختلف اصطلاحات از زبان‌های دیگر همچون فاو‌لاها و ... است. حتی در کشور ما سابقاً سه شاخص ریزدانگی، نفوذناپذیری و ناپایداری برای تعیین بافت‌های فرسوده ملاک بودند که همگی آن‌ها کالبدی هستند. اما جدیداً ملاک‌هایی مانند کاهش شاخص‌های کیفیت زندگی، ازدیاد بیکاری، آلودگی‌های زیست‌محیطی، عدم رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری، ناهنجاری‌ها و ناپایداری شهری، فقدان خدمات پایه و اساسی، سکونت خانوارهای کم‌درآمد، وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی در چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار (شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۳)، نیز به آن‌ها اضافه شده که اجتماعی-اقتصادی و

زیست‌محیطی هستند. ولی باز در تفسیر و عملیاتی کردن آن‌ها مشکلات زیادی وجود دارد. در این مقاله، گستره‌های فضایی فقر شهری به‌عنوان نمود فضایی فقر، فرسودگی و ناکارآمدی اجتماعی، کالبدی و اقتصادی معرفی و بر اساس آن ویژگی‌ها و شاخص‌های این‌گونه محلات را در کلان‌شهر اهواز بررسی می‌کنیم.

تعریف بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری

مطالعات گونه‌شناسی بافت شهری که روشی پیچیده در حوزه مورفولوژی شهری و همچنین در گونه‌شناسی شهری است و در بسیاری از رشته‌ها و زمینه‌ها به‌عنوان ابزار طبقه‌بندی به شناخت ابعاد مختلف بافت شهری منجر می‌شود، ساختار فیزیکی و فضائی شهرها را آشکار و به شناسایی الگوها کمک می‌کند، تا بر اساس الگوهای موجود رویکردها و سیاست‌های متفاوت ارائه شود (رفعیان و زاهد، ۱۴۰۰: ۳۶۶) و توصیف و تحلیلی برای کمک به توسعه و اصلاح مفاهیم و طبقه‌بندی برای اندازه‌گیری، دسته‌بندی و اولویت‌بندی نمونه‌های مطالعاتی است. گونه‌شناسی به وجود یک منطق مشخص در اطلاعات، تمیزها، تفاوت‌ها، تغییرها و همچنین تا جایی که در معیارهای تعریف‌شده در میان گونه‌ها اشاره دارد. از آنجاکه هم‌جواری فرم‌های مختلف ضرورتاً به الگوی منسجم و یکپارچه بافت شهری منجر نمی‌شود (لوور، ۲۰۱۶: ۲۰۴). نیاز ضروری به گونه‌شناسی بافت شهری و شناخت ابعاد مختلف آن احساس می‌شود. با توجه به زمینه موجود، بافت فرسوده و ناکارآمد محله‌ای است که کل فضای آن محله حداقل یکی از سه شرط زیر را به‌طور کامل یا اینکه حداقل ۲۵٪ درصد از مساحت محله (یک‌چهارم کل مساحت محله) حداقل دو شرط از سه شرط زیر را به‌طور کامل دارا باشد. این نشان‌دهنده بدترین وضعیت فقر اجتماعی، اقتصادی، کالبدی - محیطی در یک محله است که متناسب با آن هم اولویت بازآفرینی محلات و هم محوریت مطالعاتی، فنی و اجرایی و همچنین موضوعیت اساسی طرح‌ها مشخص می‌شود. با توجه به نکات مذکور پهنه‌های هدف مطالعه از بین گونه‌های بازشناسی شده گستره‌های فضایی فقر کلان‌شهر اهواز تعیین می‌شوند.

شرط اول: شاخص‌های کالبدی بافت فرسوده (بافت‌های روبه‌زوال، فرسوده و ناکارآمد شهری)

۱. بلوکی که حداقل ۵۰ درصد از قطعات مسکونی آن مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع داشته باشند (ریزدانگی یا تراکم ساختمانی و انسانی)؛ ۲. بلوکی که حداقل ۵۰ درصد بناهای آن غیر مقاوم و فاقد سیستم سازه‌ای مناسب و عدم رعایت موازین فنی است (فرسودگی-ناپایداری، نامناسب بودن مصالح)؛ ۳. بلوکی که حداقل ۵۰ درصد از معابر آن عرض کمتر از ۶ متر داشته باشند (نفوذناپذیری یا دسترسی).

شرط دوم: احساس نارضایتی ساکنین از کمبود یا فقدان در نسبت خدمات، امکانات، تأسیسات و تجهیزات شهری (اجتماعی، توسعه زیربنایی و نهادی - سازمانی)

۱. محله‌ای که سرانه بیش از ۵۰٪ از کاربری‌های اراضی شهری اصلی آن (فضای سبز، تفریحی و اوقات فراغت، اداری-انتظامی، بهداشتی-درمانی) کمتر از استانداردهای مصوب در طرح جامع باشد (کمبود سرانه قطعاً نارضایتی نهان ساکنین و ناکارآمدی آشکار را به دنبال دارد)؛ ۲. محله فاقد سیستم فاضلاب زیرزمینی کارآمد باشد (قطعاً نارضایتی اهالی را به دنبال دارد و باعث نامرغوبی محله و ارزانی مسکن در آن می‌شود).

شرط سوم: شاخص‌های بافت فقرزده شهری (اقتصادی)

۱. درآمد حداقل ۵۰ درصد از سرپرستان خانوار در محله، کمتر از حقوق ماهیانه مصوب اداره کار (کارگری) به‌علاوه ۳۰ درصد آن می‌باشد؛ ۲. متوسط اجاره‌بهای مسکن در محله کمتر از میزان عرف آن در ماه باشد.

بنابراین اگر کل یک محله، حداقل یکی از شرایط بالا را به‌طور کامل دارا بود، محله گستره فضایی فقر شهری است. همچنین اگر حداقل ۲۵ درصد از محله (یک‌چهارم کل مساحت محله) دو شرط از شرایط سه‌گانه بالا را (به‌طور کامل) دارا بود، کل آن محله نیز گستره فضایی فقر شهری است. دیگر شکل‌های فرسودگی و ناکارآمدی شهری در شکل زیر قابل مشاهده است:

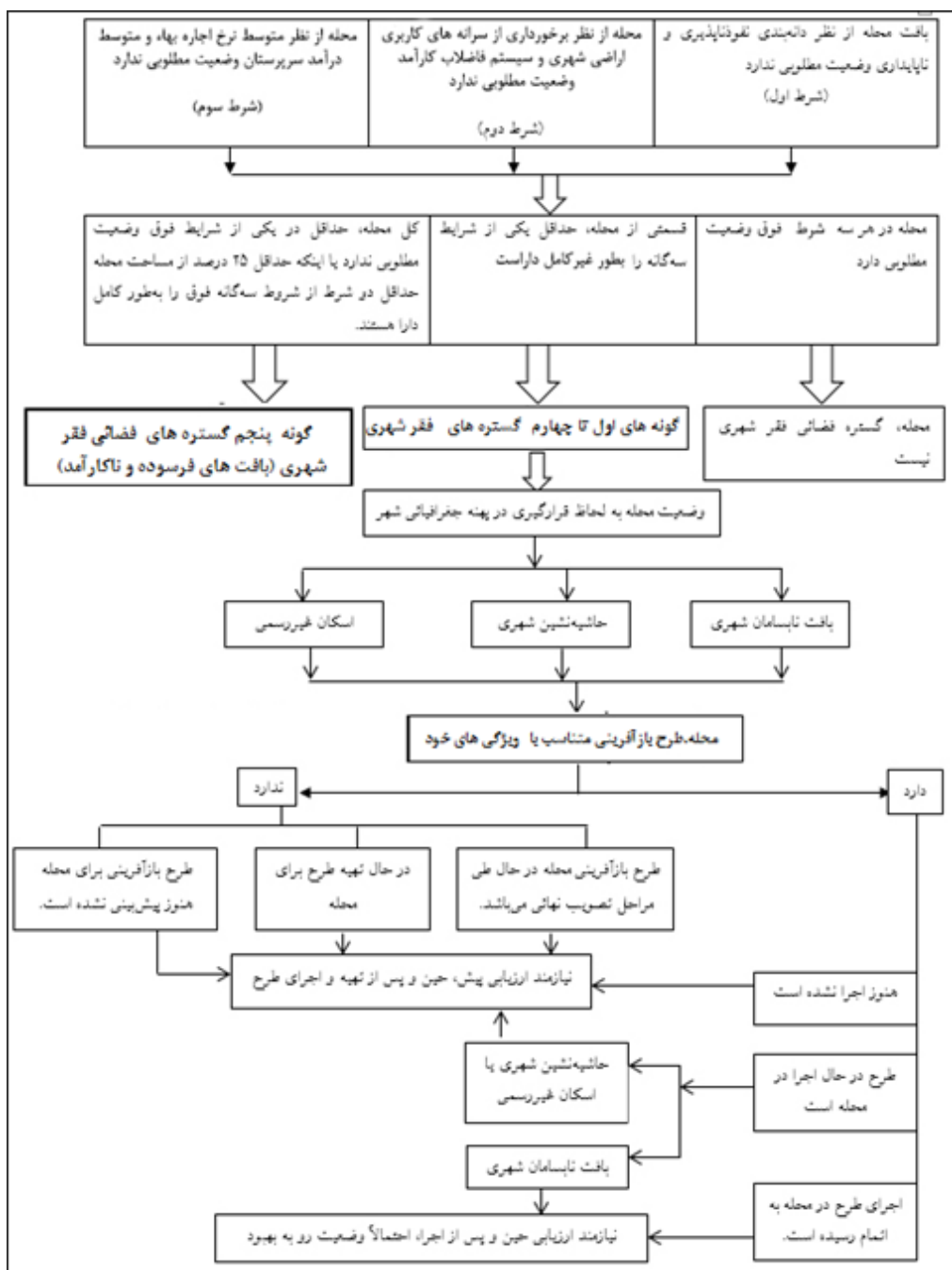


شکل شماره ۱. گونه‌های گستره‌های فضایی فقر شهری و طرح‌های بازآفرینی متناسب با ویژگی‌های آن‌ها

با توجه به تعاریف فوق چارچوب ادراکی مفهومی از بازشناسی گستره‌های فضایی فقر و بافت‌های مسئله‌دار شهری به ترتیب شکل (۲) است. در این شکل؛ شرایط اول و دوم؛ کالبدی-خدماتی است و شرط سوم نیز اقتصادی است. در واقع در بازشناسی فقر مؤلفه اجتماعی و فرهنگی دیده نشده است.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های خصوصی و عمومی فقر

برای تحلیل فضایی ساختارهای فقر، ابتدا باید بدانیم که فقر پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است. فقر پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل‌های نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می‌شود. فقیر کسی است که قابلیت و توانایی کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی را ندارد (راغفر و صانعی، ۱۳۸۹: ۴۸). فقر حاصل نابرابری زیاد اجتماعی است (هادی‌زنوز، ۱۳۷۶: ۲۷). از این منظر، مناطق شهری را تضادهای اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌کنند و این تضادها باعث شکل‌گیری نابرابری در توزیع فضایی امکانات در سطح بلوک‌های شهری می‌شود و به‌نوعی به نابرابری فضایی می‌انجامد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). به دلیل رشد فقر شهری و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در شهرهای بزرگ، گروه‌های کم‌درآمد در قالب اجتماعات محلی و در فضاهای جغرافیایی خاص شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها از روند کلی توسعه برکنار مانده و به اصطلاح به حاشیه رانده‌شده‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۱۱).



شکل شماره ۲. چارچوب ادراکی مفهومی از بازشناسی گستره‌های فضایی فقر و بافت‌های مسئله‌دار شهری

در علم اقتصاد شهری شاخص‌های خصوصی، ابعاد کلان فقر جوامع را از دیدگاه علوم اقتصادی و با محوریت استقرار عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی می‌سنجند. مانند شکاف فقر، سبد خانوار، خط فقر، هزینه ناخالص خانوار، نسبت شکاف درآمدی، شاخص کاکوانی^۱، نسبت افراد فقیر (نسبت سرشمار)^۲، شاخص فقر سن^۳،

- 1 . kakwani
- 2 . head-count ratio
- 3 . sen-index

شاخص شدت فقر یا توان دوم شکاف فقر (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۷۰). در این مقاله و در تحلیل ساختارهای فقر شهری به‌منظور شناخت پهنه‌های هدف، بر سه مؤلفه فقر شهری تمرکز شده که هرکدام از آن‌ها دارای چندین شاخص عمومی فقر شهری می‌باشند. مؤلفه‌های سه‌گانه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-زیست‌محیطی با ۴۹ شاخص عمومی فقر (یا ساختار فقر شهری) ناظر بر وضعیت فقر شهری هستند. شاخص‌های عمومی اما، عوامل شکل‌دهنده فقر خانوارها از بعد مکانی و دیدگاه جغرافیایی شهری معاصر هستند و به سه مؤلفه پیش‌گفته تعلق دارند. هرکدام از مؤلفه‌های سه‌گانه مذکور یک سری شاخص یا ساختار فقر شهری را به شکل معنایی حمل می‌کنند.

محدوده مورد مطالعه

اهواز (مرکز استان خوزستان) یکی از ۸ کلان‌شهر ایران است و در بخش مرکزی استان خوزستان با مساحت تقریبی ۲۲۰ کیلومترمربع در موقعیت جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی در بخش جلگه‌ای خوزستان و با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا قرار دارد. بر پایه تازه‌ترین آمار رسمی، ۳۲ درصد مردم استان خوزستان در کلان‌شهر اهواز زندگی می‌کنند (صفایی‌پور و شنبه‌پور، ۱۳۹۸، ۴۶۱). جمعیت شهر اهواز طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۱۸۴۷۸۸ نفر بوده است (آمارنامه کلان‌شهر اهواز، ۱۳۹۸، ۱۰) در این پژوهش از ۱۳۶ محله کلان‌شهر اهواز ۴۲ محله به‌عنوان بافت‌های مشکل‌دار یا گستره‌های فضایی فقر شناسایی و درنهایت ۱۱ محله هدف مطالعه یا گونه پنجم پهنه‌های فقر، با جمعیت ۱۶۳ هزار نفر و ۴۳ هزار خانوار ساکن، با مساحت ۱۵۸۶/۶ هکتار و ۱۴/۴۳ درصد از کل مساحت شهر به‌عنوان بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری به شرح زیر بازشناسی و سطح‌بندی شدند: کوی علوی (شلنگ‌آباد)، حصیرآباد، علی‌آباد، عامری (خزعلیه)، صخیریه، صیاحی، ملاشیه، عین‌دو، کوی کارون، کوی آل‌صافی، کوی منبع‌آب. (شکل ۳)



شکل شماره ۳. محله بندی و موقعیت گستره‌های فضایی فقر شهری کلان‌شهر اهواز

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. گونه‌بندی گستره‌های فضایی فقر در کلان‌شهر اهواز و بازشناسی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد از طریق ترجمان عملیاتی و کاربست ملاک‌های قدیم و جدید بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، در قالب مبانی نظری به تدوین قواعد پژوهش انجامید. تعداد ۴۹ ساختار فقر شهری در قالب سه مؤلفه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی تعریف عملیاتی شدند. برای تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و جدول مورگان تعداد ۴۵۷ پرسشنامه محقق ساخت مدنظر قرار گرفتند. حجم نمونه در هر محله به روش تخصیص بهینه تعیین و توزیع پرسشنامه‌ها به روش تصادفی سیستماتیک در ۱۱ پهنه فقر بازشناسی شده هدف، برای برداشت میدانی از وضعیت عمومی فقر، بین سرپرستان خانوارهای ساکن به انجام رسید. داده‌های جمع‌آوری شده پس از یکپارچه‌سازی در هر محله، در نرم‌افزار SPSS و از طریق مقایسه نتایج نهایی دو تکنیک Z-Score و SAR برای پهنه‌های فقر مورد تحلیل فضایی قرار گرفتند. نقشه پهنه‌بندی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد کلان‌شهر اهواز و نمودار میله‌ای سطح‌بندی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد آن به ترتیب توسط نرم‌افزارهای ArcGIS 10.8 و Exell ترسیم شدند.

بحث و یافته‌ها

در مجموع از ۱۳۶ محله کلان‌شهر اهواز ۴۲ محله معادل ۱۵۸۶/۶ هکتار مساحت به‌عنوان بافت‌های مشکل‌دار یا گستره‌های فضایی فقر با توجه به منابع اسنادی، مطلعین کلیدی و مشاهدات میدانی، شناسایی شدند و با توجه به مبانی تئوریک و قواعد پژوهش به گونه‌بندی گستره‌های فضایی فقر اقدام شد. در نهایت ۱۱ محله به‌عنوان بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، ۱۴ محله به‌عنوان بافت‌های فرودست، ۵ محله به‌عنوان بافت‌های فقرزده شهری، ۷ محله به‌عنوان بافت‌های مزمن و مشکل‌دار و ۵ محله نیز به‌عنوان بافت‌های روبه‌زوال بازشناسی شدند. در این مقاله از بین گونه‌های مختلف گستره‌های فضایی فقر (۵ تیپ بازشناسی شده بر اساس مبانی تئوریک پژوهش) گونه پنجم به‌عنوان بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با آنچه اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان رسماً به‌عنوان بافت‌های فرسوده و ناکارآمد کلان‌شهر اهواز معرفی کرده در ۳ مورد زویه، زرگان، یوسفی و مرکز شهر اختلاف وجود دارد. علت اصلی این تفاوت در گونه‌بندی، در اولویت قرار دادن این ۱۱ محله در ارتباط با طرح‌های بازآفرینی پایدار (اجتماع مدار، جامع، کل‌نگر، استراتژیک و یکپارچه) و هرگونه برنامه‌های فقرزدایی در محلات و نیز محوریت مطالعاتی و اجرایی-فنی طرح‌ها است. این ۱۱ محله بازشناسی شده هدف دارای جمعیتی بالغ بر ۱۶۰/۴۷۸ هزار نفر در قالب ۴۳ هزار خانوار ساکن که معادل ۱۴/۴۳ درصد از مساحت کل کلان‌شهر اهواز و ۱۴/۱۶ درصد از کل جمعیت آن را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱. مشخصات محلات هدف یا گونه پنجم گستره‌های فضایی فقر کلان‌شهر اهواز (بافت‌های فرسوده و ناکارآمد)

محلّه، طرح بازآفرینی مصوب و یا طرح تفصیلی ویژه	شرط سوم		شرط دوم		شرط اول		محلّات هدف مطالعه	منطقه شهری	ردیف
	متوسط نرخ اجاره‌بهای مسکن در محلّه کمتر از میزان عرف آن است		فقدان سیستم فاضلاب زیرزمینی کارآمد در محلّه		درصد فرسودگی از کل محلّه (برحسب شاخص‌های ریزدانه‌گی، نفوذپذیری و ناپایداری بافت فرسوده محلّه به لحاظ سه شاخص ریزدانه‌گی، نفوذپذیری، ناپایداری (مساحت به هکتار)				
	نمبر	بده	نمبر	بده	نمبر	بده			
*	*	*	*	*	*	۱۶۵/۵۴	کوی علوی	۶	۱
*	*	*	*	*	*	۱۹/۰۳	حصیرآباد	۷	۲
*	*	*	*	*	*	۷۸/۳	عامری (خزعلیه)	۷	۳
*	*	*	*	*	*	۹۰	صخیریه	۷	۴
*	*	*	*	*	*	۲۰	عین‌دو	۶	۵
*	*	*	*	*	*	۶۲	علی‌آباد	۳	۶
*	*	*	*	*	*	۸/۴۶	کوی صیاحی	۶	۷
*	*	*	*	*	*	۸۲/۶	کوی کارون	۷	۸
*	*	*	*	*	*	۶۵/۷۷	کوی آل‌صافی	۷	۹
*	*	*	*	*	*	۸۲	منبع‌آب	۷	۱۰
*	*	*	*	*	*	۲۵/۷۲	ملاشیه	۵	۱۱

پس از بازشناسی گستره‌های فضایی فقر شهری، تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های عمومی فقر (ساختارهای فقر شهری) و ساخت پرسشنامه منطبق با اهداف، به توزیع تصادفی آن در بین خانوارهای ساکن محلات هدف، اقدام شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات حاصل از ۴۵۱ پرسشنامه و یکپارچه‌سازی اطلاعات هر شاخص در هر مرحله، ابتدا در نرم‌افزار SPSS به تحلیل داده‌ها با تکنیک Z-Score در دو مرحله اقدام شد:

مرحله اول) محاسبه میانگین، واریانس و انحراف معیار برای هر شاخص (استاندارد کردن یا بی‌مقیاس سازی داده‌های غیر نرمال)

$$\bar{X} = \frac{\sum Xi}{n} \quad \sigma^2 = \frac{\sum (Xi - \bar{X})^2}{n} \quad \sigma = \sqrt{\text{Variance}}$$

مرحله دوم) محاسبه مقادیر $Z = \frac{Xi - \bar{X}}{\sigma}$ و در نهایت $Z - score$ برای هر محلّه (امان پور، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

جدول (۲). نتایج نهایی تحلیل فضایی ساختارهای فقر کلان‌شهر اهواز در تکنیک z-score

محللات	کوی علوی (شلنگ آباد)	حصیرآباد	منبع آب	کوی کارون	کوی آل صافی	علی‌آباد	عامری (خزعلیه)	صخیریه	کوی صیاحی	ملاشیه	عین‌دو
مؤلفه‌ها											
اجتماعی	-۵/۸۹۵	۱۰/۱۶۳	-۵/۲	۶/۲۶	-۴/۶۹۸	۱۶/۶۱۶	۲۸/۵۰۶	۱۳/۱۰۲	۶/۹۵	۲/۶۱	۹/۰۰۴
اقتصادی	۷/۸۷۱	۱۹/۸۷۱	-۴/۲۳۵	۱/۵۲	-۸/۷۶	-۸/۱۹	۱۵/۵۵	-۲/۲۸۷	-۱/۳۶	-۱۳/۴۶۲	-۱/۲۲۸
کلیدی-محیطی	۲۳/۳۲۵	-۵/۴۲	-۴/۲۷۵	-۳۷/۴۹	-۵۴/۸۱	۲/۶۶	۵۸/۳۷۵	۲۴/۴۸	-۱۲/۷۴	۶/۶۹۵	۱۶/۰۱
$\sum Z$	۲۵/۳۰۱	۲۴/۶۱۴	-۱۳/۷۱	-۳۰/۷۱	-۶۸/۲۶۸	۱۱/۰۸۶	۱۰۲/۴۳۱	۳۵/۲۹۵	-۷/۱۵	-۴/۵۷	۲۳/۷۸۶
رتبه Z	۳	۴	۹	۱۰	۱۱	۶	۱	۲	۸	۷	۵

در روش رتبه‌بندی تجمعی ساده (SAR) به استاندارد کردن گزینه‌ها نیازی نیست و به‌جای آن از جمع رتبه‌ای استفاده می‌شود. روش رتبه‌بندی تجمعی ساده مبتنی بر رتبه‌بندی گزینه‌ها با توجه به شاخص‌های تأثیرگذار بر هر یک از آن‌هاست (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۱۴۸). ارزش حاصل از مجموع شاخص‌های هر گزینه که از بیشترین میزان برخوردار باشد، اولویت هر گزینه را مشخص می‌کند. محاسبه مجموع ارزش عددی هر گزینه با توجه به وزن هر کدام از شاخص‌ها از طریق تابع زیر محاسبه می‌شود:

$$V(at) = \frac{1}{t} \sum_{K=1}^K W_K \cdot R_K (f_K(\alpha_t))$$

$$W_K \geq^{K=1} 0 \sum_{K=1}^K W_K = 1$$

که در آن W_K وزن هر شاخص و T تعداد کل گزینه‌ها و R_K نیز رتبه ترتیبی گزینه با توجه به شاخص K است. در این روش به مراحل زیر توجه می‌شود:

(۱) تعیین شاخص‌ها و گزینه‌ها برحسب موضوع و اولویت‌بندی؛

(۲) تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها برحسب درصد؛

(۳) تعیین رتبه‌های هر یک از گزینه‌ها در تعامل با شاخص‌ها؛

(۴) محاسبه رتبه‌های وزنی هر یک از گزینه‌ها در تعامل با شاخص‌ها (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و تعیین وزن هر یک، روش وزن دهی رتبه‌ای مرکزگرا (ROC) از طریق تابع زیر محاسبه و ساختارهای فقر شهری به ۶ گروه برحسب اهمیت و اولویت تقسیم‌بندی می‌شوند.

$$W_i(ROC) = 1/n \sum_{j=1}^n 1/j \quad i = 1, \dots, n$$

در این روش با استفاده از تابع بالا برای تعیین اوزان شاخص‌ها از رتبه و تعداد شاخص‌ها استفاده شده (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

با توجه به جدول شماره (۴)، دسته‌بندی و امتیازدهی هر شاخص در تکنیک (ROC) نتایج حاصل از جمع رتبه‌های وزن‌دار شده در تکنیک (SAR) به شرح جدول شماره (۵) به دست آمد.

جدول شماره ۳. وزن دهی به ساختارهای فقر شهری بر اساس روش Rank order centroe (ROC)

شماره	شاخص‌ها یا ساختارهای هم‌گروه	امتیاز نهایی وزن هر شاخص در SAR	تعداد شاخص‌های تحت پوشش	اوزان به ترتیب اهمیت	فواصل ترتیبی اوزان
۱	اجتماعی: ۱-بعد اجتماعی خانوار، ۲-تحصیلات سرپرست خانوار، ۳-تراکم خانوار در واحد مسکونی، ۴-نرخ آسیب‌های اجتماعی در محله، ۵-جنسیت سرپرست خانوار. اقتصادی: ۶-متوسط قیمت زمین و مسکن در محله، ۷-پایین بودن نرخ اجاره‌بها در محله، ۸-نرخ بیکاری، ۹-متوسط نرخ اشتغال خانوار، ۱۰-مالکیت مسکن، ۱۱-درآمد سرانه خانوار، ۱۲-مالکیت خودرو، ۱۳-بار تکفل واقعی. کالبدی-محیطی: ۱۴-متوسط مساحت قطعه مسکونی (ریزدانگی)، ۱۵-متوسط عرض شبکه معابر (نفوذناپذیری)، ۱۶-متوسط زیربنای قطعات مسکونی (دانه‌بندی)، ۱۷-کیفیت ابنیه (ناپایداری)، ۱۸-قرارگیری محله در پهنه‌های خطر، ۱۹-نرخ برخورداری از خدمات و امکانات عمومی در محله، ۲۰-نرخ برخورداری از تأسیسات بهداشتی محله.	۰/۲۰۴	۲۰	۰/۴۰۸۳	۱/۶۸۹
۲	اجتماعی: ۱-میزان امنیت محله، ۲-متوسط نفر در اتاق، ۳-نسبت جنسی جمعیت، ۴-سرانه ناخالص مسکونی. اقتصادی: ۵-شغل سرپرست خانوار، ۶-خانوار دارای معلول یا بیمار صعب‌العلاج، ۷-وضعیت فعالیت شاغلین. کالبدی محیطی: ۸-متوسط اتاق در واحد مسکونی.	۰/۳۰۲	۸	۰/۲۴۱۷	
۳	اجتماعی: ۱-هویت و حس تعلق به مکان، ۲-نرخ بی‌سوادی زنان و مردان، ۳-نرخ اشتغال به تحصیل خانوار، ۴-سن سرپرست خانوار، ۵-نسبت جوانی جمعیت، ۶-قومیت. اقتصادی: ۷-نسبت کاربری تجاری، ۸-نرخ سکونت استیجاری. کالبدی محیطی: ۹-متوسط سرانه مسکونی خالص خانوار، ۱۰-متوسط نسبت کاربری اراضی شهری در محله، ۱۱-متوسط عمر بنا، ۱۲-شکل قطعات مسکونی.	۰/۱۳۱	۱۲	۰/۱۵۸۳	۱/۵۲۶
۴	اجتماعی: ۱-درصد مشارکت اجتماعی (فعالیت و مطالبه‌گری)، ۲-مشارکت اقتصادی زنان. کالبدی محیطی: ۳-نمای ابنیه، ۴-ساخت‌وساز بدون مجوز.	۰/۲۵۷	۴	۰/۱۰۲۸	۱/۵۳۹
۵	اجتماعی: ۱-نرخ برخورداری از رایانه، ۲-نسبت جمعیت مهاجر. کالبدی محیطی: ۳-متوسط دسترسی به خدمات ضروری شهری.	۰/۲۰۳	۳	۰/۰۶۱۱	۱/۶۸۲
۶	اجتماعی: ۱-تراکم خالص محله (تراکم یا بار جمعیتی)، کالبدی-محیطی: ۲-تعداد طبقات.	۰/۱۳۹	۲	۰/۰۲۷۸	۲/۱۹۷

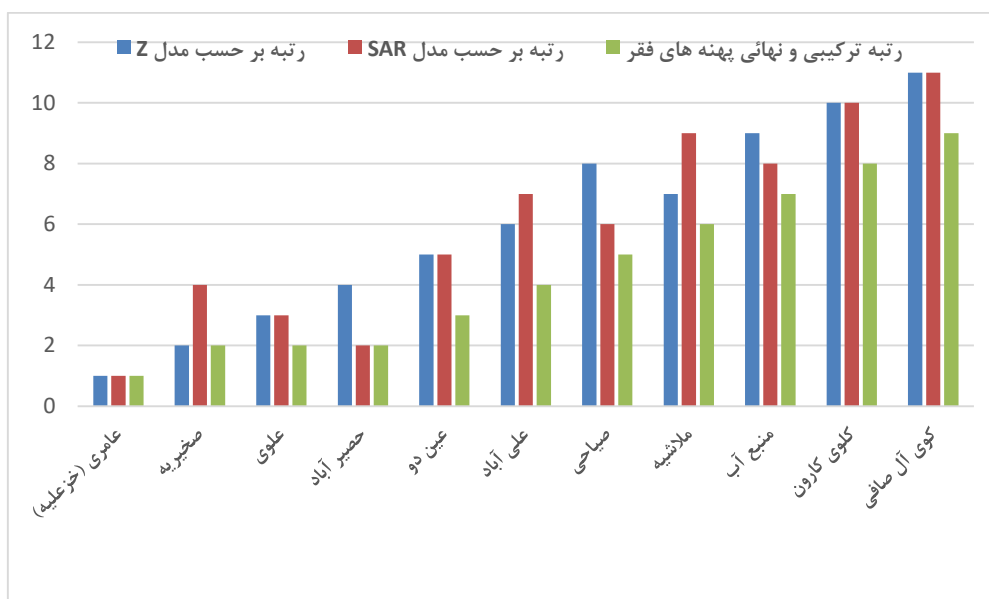
جدول شماره ۴. نتایج نهایی تحلیل فضایی ساختارهای فقر کلان‌شهر اهواز- تکنیک رتبه‌بندی تجمعی ساده (SAR)

مؤلفه‌ها	کوی علوی (شلنگ آباد)	حصیرآباد	مینگ‌آباد	کوی کارون	کوی آل‌صافی	علی‌آباد	خامری (خزعلیه)	صخیربه	کوی صیاحی	ملاشیه	عین‌و
اجتماعی	۲/۶۵۱۵	۲/۱۵۴۵	۲/۳۹۷	۳/۳۳۴	۲/۵۷۵۵	۲/۱۳۳۵	۱/۶۹۱	۱/۹۰۲۸	۲/۴۹۱۸	۲/۳۲۹۹	۲/۲۵۴۴
اقتصادی	۱/۲۲۵۱	۰/۱۷۰۸	۱/۹۷۸	۱/۷۵۰۳	۲/۵۸۵۶	۲/۵۵۲۵	۱/۵۶۲۲	۱/۷۲۸۶	۱/۹۷۶۶	۲/۱۴۹۵	۱/۷۹۹۶
کالبدی-محیطی	۱/۰۸۲۴	۱/۷۵۵۱	۲/۲۹۷	۲/۷۳۴	۲/۶۸۳	۱/۸۶۵۲	۱/۱۷۰۹	۱/۶۰۱۷	۱/۹۶۵۹	۱/۵۶۵۸	۱/۴۵۵۲
$\sum SAR$	۴/۹۵۵۹	۴/۷۸۰۴	۶/۶۷۳۷	۷/۸۰۹۳	۷/۸۴۴۱	۶/۵۵۱۲	۴/۴۳۴۱	۵/۲۳۳۱	۶/۴۳۳۳	۶/۱۴۵۲	۵/۵۰۹۲
T=11	۰/۴۵۰۸	۰/۴۳۴۵	۰/۶۰۶۶	۰/۷۰۹۸	۰/۷۱۳۱	۰/۵۹۵۵	۰/۴۰۲۱	۰/۴۷۵۷	۰/۵۸۴۹	۰/۶۱۳۲	۰/۵۰۰۸
رتبه SAR	۳	۲	۸	۱۰	۱۱	۷	۱	۴	۶	۹	۵

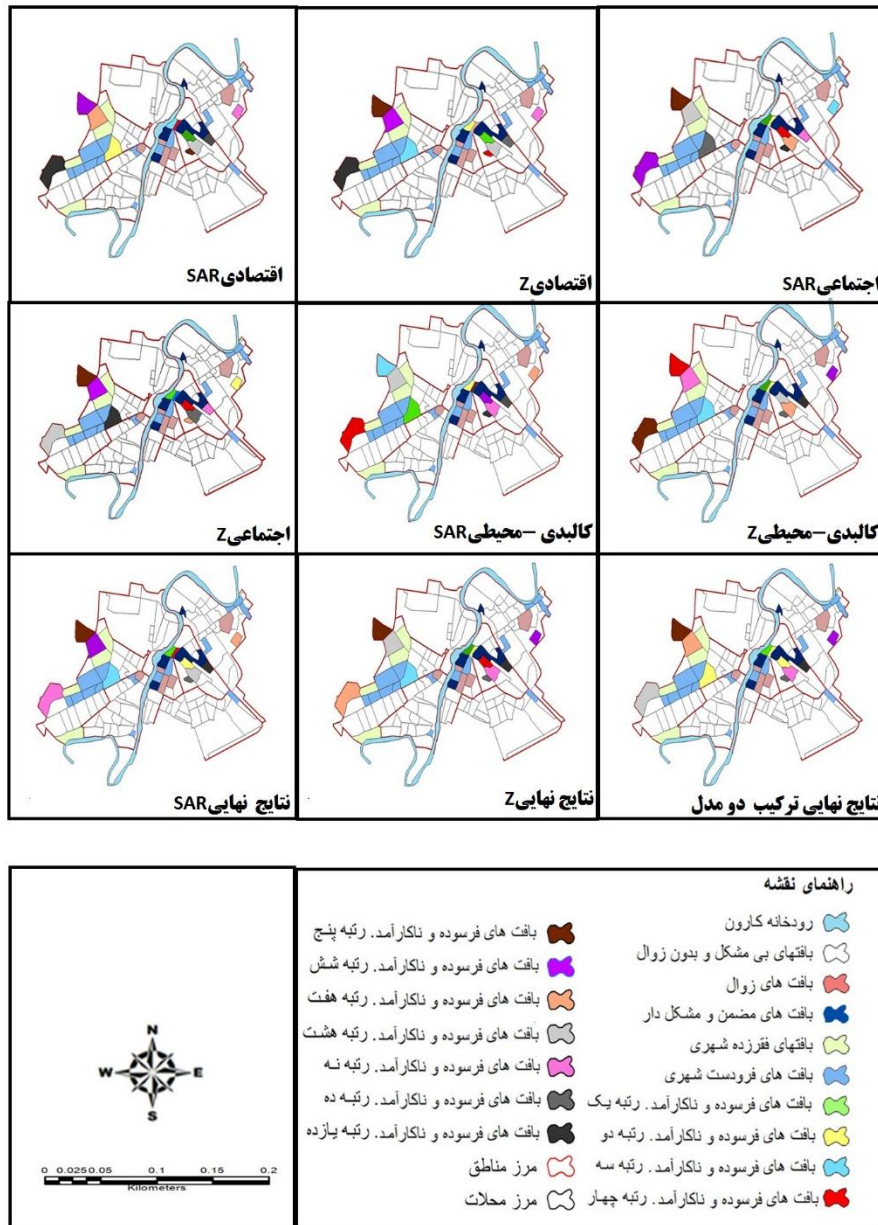
رتبه‌بندی نهایی و نمودار میله‌ای آن بر اساس مقایسه ترکیبی از دو مدل به‌کاررفته در پژوهش به شرح زیر می‌باشند.

جدول شماره ۵. رتبه‌بندی نهایی از تحلیل فضایی ساختارهای فقر کلان‌شهر اهواز بر اساس مقایسه ترکیبی

محل	رتبه ترکیبی و نهایی پهنه‌های فقر	SAR	Z
کوی آل‌صافی	۹	۱۱	۱۱
کوی کارون	۸	۱۰	۱۰
کوی منبع آب	۷	۸	۹
کوی ملاشبه	۶	۹	۷
کوی صیاحی	۵	۶	۸
کوی علی‌آباد	۴	۷	۶
کوی عین‌دو	۳	۵	۵
کوی حصیرآباد	۲	۲	۴
کوی علوی	۲	۳	۳
کوی صخریه	۲	۴	۲
عامری (خزعلیه)	۱	۱	۱



شکل شماره ۴. رتبه‌بندی گستره‌های فضایی فقر کلان‌شهر اهواز



شکل شماره ۵. پهنه‌بندی گستره‌های فضایی فقر کلان‌شهر اهواز

نتیجه‌گیری

شناسایی پهنه‌های فقر و تحلیل فضایی ساختارهای فقر شهری آن‌ها در تمام‌مقیاس‌ها برای برنامه‌ریزی و توانمندسازی ساکنان پهنه‌های ضعیف و جلوگیری از ظهور پیامدهای فقر مؤثر است. در این مقاله پس از قاعده‌مند کردن و ارائه یک تعریف عملیاتی روشن‌مند و جمع‌بندی ملاک‌های قدیم و جدید بافت‌های ناکارآمد به گونه‌بندی محلات مشکل‌دار و بازشناسی گستره‌های فضایی فقر اقدام شد. در مرحله سطح‌بندی و ارزیابی، محله عامری با رتبه اول در هر دو مدل بهترین وضعیت از بین ۱۱ گستره فقر هدف را دارا است. علت آن علاوه بر قدمت بالای این محله، سرمایه اجتماعی و مرکزیت آن نسبت به دیگر پهنه‌ها که قیمت مسکن، ملک، زمین و اجاره‌بها را در آنجا بسیار بالاتر از دیگر گستره‌ها برده، وجود بازار مرکزی پویا، مالکیت بالای خودرو و متوسط درآمد سرانه بالاتر از میانگین در این محله است.

این دو گروه از شاخص‌ها همانند دو پیشران کلیدی عمل کرده و مابقی ساختارها را نیز به نفع این محله ارتقاء داده و سنگین‌تر می‌کنند. در رده دوم سه محله صخیریه، حصیرآباد و کوی علوی به‌طور مشترک قرار می‌گیرند. امتیازات نزدیک این سه محله در هر دو مدل بی‌شک متأثر از نزدیکی امتیازاتشان در تک‌تک ساختارها و مؤلفه‌ها است. ضعف تحصیلات عالیه مشخصه اصلی پرسش‌شوندگان در محلات عامری، کوی علوی، صخیریه و حصیرآباد است که رتبه‌های اول و دوم (به‌طور مشترک) را به دست آورده‌اند. این محلات عموماً محل سکونت اقشار اجتماعی متوسط و پایین جامعه می‌باشند. بررسی میزان درآمد و تعداد شاغلین در این چهار محله بیان می‌دارد که نزدیک به ۸۰ درصد از مجموع پرسش‌شوندگان دارای مشاغل غیردولتی و عمدتاً غیررسمی می‌باشند. در تحلیل جاذبه و دافعه جمعیت در این محلات نزدیک به ۷۲ درصد از پرسش‌شوندگان خود را ساکنین اولیه این محله‌ها می‌دانستند. این مسئله بیانگر آن است که بیش از دوسوم این چهار محله بومی هستند.

در تحلیل فضایی از این پدیده، مراحل هجوم، توالی و تسلط با رویکرد اکولوژیکی در کلان‌شهر اهواز در ارتباط با برخورداری این محلات تبیین می‌شود. با یک‌روند نگاری تاریخی، مرکزیت اول محلات صخیریه و حصیرآباد در کلان‌شهر اهواز و مرکزیت دوم محله کوی علوی (شلنگ‌آباد) در آن‌سوی شهر علت اصلی می‌باشد. محله عین‌دو که در هر دو مدل در دسته پنجم قرار دارد، در رتبه‌بندی نهایی در مکان سوم ایستاده است. همچنین علی‌آباد و کوی صیاحی در مکان‌های ۴ و ۵ رتبه‌بندی نهایی هستند. به نظر می‌رسد که وضعیت‌های مشابه قرارگیری آن‌ها در پهنه جغرافیایی شهر به لحاظ ساختارهای فقر نتایج مشابهی را در مجموع برای‌شان فراهم آورده باشد. ملاحظیه و کوی منبع‌آب در رتبه‌بندی هر دو مدل به هم نزدیک و در رتبه‌بندی نهایی جایگاه ۶ و ۷ را به دست آوردند. این رتبه‌های پایین می‌تواند علاوه بر منشأ مهاجرنشین بودن بالای هر دو محله، نتیجه دور بودن ملاحظیه از مرکز و تحولات (به دلیل آنچه اقتصاد سیاسی فضا و پویایی فضایی قدرت می‌نامیم) و البته قرارگیری کوی منبع‌آب در پهنه‌های خطر، شیب زیاد، مشکلات حقوقی مالکیت زمین و مسکن باشد.

محلات کوی کارون و کوی آل‌صافی که در هر دو مدل به ترتیب در آخر رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. از شرایط قرارگیری در پهنه‌های خطر، مشکلات حقوقی بستر فضا و عدم برخورداری از امکانات بهداشتی و خدمات عمومی شهری تأثیر پذیرفته‌اند. این وضعیت آن‌ها بر سایر مؤلفه‌ها و ساختارها نیز تأثیر منفی گذاشته است.

آنچه از بررسی پیشینه تحقیقات داخلی و تا حدی حتی خارجی و همچنین دقت نظر در طرح بازآفرینی تعریف‌شده مرتبط با برخی گستره‌های فقر مورد مطالعه قابل‌ذکر است، احساس خلأ در تعریفی جامع و عملیاتی از ملاک‌های جدید بافت فرسوده و ناکارآمد تا حدی مشهود است. بدین منظور برای تیپ بندی و تعیین انواع گونه‌های گستره فضایی فقر کلان‌شهر اهواز، علاوه بر شاخص‌های قدیمی، به ملاک‌های جدید ابلاغی وزارت راه و شهرسازی نیز بار ارزشی و معنایی در قالب شروط سه‌گانه با محوریت کالبدی- محیطی، اجتماعی و اقتصادی بخشیده شد تا به بخشی از مبانی نظری پژوهش‌های مشابه در آینده اضافه شود.

ضمناً انتخاب شاخص‌های عمومی فقر به‌عنوان ساختارهای شکل‌دهنده فقر شهری و تعریف عملیاتی آن‌ها در رابطه با استفاده ترکیبی از دو تکنیک مناسب داده‌های غیر نرمال و پرت یعنی z_score و sar تا آنجا که به سطح‌بندی محلات برحسب ارزیابی و شناخت وضعیت عمومی فقر و تعیین اولویت‌ها مرتبط است نیز به‌خوبی و با دقت اولویت‌ها را در یک مقایسه تطبیقی با مطالعات مشابه در همین محدوده نشان داد. با توجه به مستندات بررسی‌شده به نظر می‌رسد که مسئله گستره‌های فضایی فقر کلان‌شهر اهواز تابعی از روند رشد فقر در کل کشور باشد. معضل بیکاری، استفاده

محدود از ظرفیت‌های تولیدی، ضعف پایه‌های اقتصادی و عدم تخصیص بهینه منابع، امکانات و خدمات در سطح شهر، به ناموزونی فضا در سطح محلات شهر اهواز و پیدایش پهنه‌های فقر انجامیده است. فرسودگی، ناکارآمدی و کاهش کارآئی بافت‌های مورد مطالعه نیز هم به سبب قدمت و هم به سبب فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر روند شکل‌گیری آن‌هاست. بنابراین پیامد فرسودگی بافت‌های مذکور، افت شدید کیفیت زندگی شهروندان در اشکال گوناگون از جمله کاهش یا فقدان شرایط زیست‌پذیری و ایمنی و نیز نابسامانی‌های کالبدی-محیطی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی می‌باشد. نظام زیستی در این محلات هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود دچار اختلال و ناکارآمدی شده و یکی از جلوه‌های بی‌عدالتی در شهر و منشأ معضلات بسیار دیگر مانند افت شهری و تمرکز فضائی و زوال می‌باشد. همچنین مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم وضعیت اقتصادی اجتماعی کمابیش مشابه این ۱۱ محله، برخی علی‌رغم شکوفایی اولیه و مکان‌گزینی مناسب به دلیل گذر طولانی زمان و عدم توجه به مقوله تجدید حیات دچار وضعیت فقر شده و مابقی موارد اساساً در بستری ذاتاً فقر‌زا نظیر در حاشیه بودن، عدم اشراف قانون و دوری از مکانیزم اقتصادی جامعه بنیان‌گذاری شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که مؤلفه‌ها و ساختارهای فقر در کلان‌شهر اهواز بر پهنه‌های فقر منطبق هستند.

بحث سازمانی و نبود تعامل بین شهروندان و مدیریت شهری به کاهش ارزش‌های شهری، میزان مشارکت ساکنان و کاهش تمایل ساکنان به سکونت در این بافت‌ها و کاهش حس تعلق ساکنان منجر می‌شود. بافت به‌شدت تضعیف شده و بروز چنین وضعیتی، فرسودگی بافت را تشدید کرده است. از بعد اقتصادی که بهره‌ناشی از بالا بردن ارزش زمین به دلیل ساخت‌وساز و واگذاری تراکم را به دنبال داشته، مورد تأیید سازندگان بوده است زیرا دیدگاه اقتصادمحور، شهر را برای کالبد آن می‌خواهد نه برای شهروندان.

پرداختن به خصیصه‌های فقر که مآمن فقیران و مهاجران شهری هستند تنها به جنبه‌های فیزیکی و معماری این پهنه‌ها ختم نمی‌شود. زیرا از طرفی نقاطی که دچار انحطاط فیزیکی شده‌اند، با کاهش اجاره‌بها روبه‌رو بوده و از طرفی کاهش اجاره‌بها، انحطاط فیزیکی را تشدید و از سویی دیگر رانده‌شدگان تمامی نقاط شهری را به خود جلب می‌کند. لذا انحطاط سازمان اجتماعی، محیطی و بهداشتی در آن‌ها مطرح می‌شود. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای استراتژیک تحقیق به‌طور مستقیم با ماهیت ساکنان پهنه‌های فقر هدف که عموم آن‌ها را مهاجران و فقیران تشکیل می‌دهند ارتباط می‌بایند چراکه نیاز چنین افرادی در وهله اول گاه مسکن و یا کیفیت محیط مسکونی مناسب نیست، بلکه اولویت اول آن‌ها ثبات درآمدی، اشتغال و پیدا کردن سقفی در شهر است، سقفی که کمترین هزینه برای آن پرداخت شود و بیشترین بهره از آن برده شود. بنابراین مالکیت مسکن مناسب در اینجا ورای مطالبات ساکنین مهاجر و فقیر را تشکیل می‌دهد. زیرا مالک مسکن مناسب بودن، تفاوت اساسی و نتیجه نهایی روندهای در جریان است. حاصل چنین جریانی برهم خوردن استانداردهای سکونت در قالب مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی که در شان و منزلت سکونت و حیات انسانی نیست، بروز می‌نماید. این ساکنین که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی عموماً ضعیف هستند، و تحصیلات سرپرست در سطح پایین قرار دارد و متعاقباً به لحاظ شغل و درآمدی وضعیت مناسبی ندارند، در مکان‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند که از لحاظ مؤلفه‌های محیطی و کالبدی مانند ضعف زیرساخت‌های بهداشتی-درمانی و عمومی نابسامان و ناکارآمد بوده تا شاید هزینه‌های کمتری برایشان تحمیل شود. لذا همگرایی مکانی مؤلفه‌های ذکر شده در نقطه‌ای مشترک به تولید و بازتولید فقر دامن می‌زند.

در این مقاله به خاطر خصیصه زمینه‌ساز بودن جغرافیا در امر توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی-محیطی و همچنین

چندبعدی و پیچیده بودن مسائل هر یک از چنین پهنه‌هایی، از تجویز راهبردهای رادیکالی پرهیز شده و چاره کار بهبود وضعیت فرسودگی بافت‌ها را در اقدامات مناسب برای انجام بازآفرینی پایدار محلات و هرگونه برنامه فقرزدایی و اصلاح ساختارهای فقر آن‌ها می‌بینیم.

در حال حاضر هیچ‌گونه اقدام کاملی برای انجام بازآفرینی در اهواز صورت نگرفته است. عمده اقدامات صورت گرفته را می‌توان در تهیه طرح تفصیلی ویژه برای محلات منبع آب و کوی کارون که شامل احداث دیوار حائل و حل پاره‌ای از مشکلات حقوقی مربوط به مالکیت زمین جهت تسهیل استفاده از اعتبارات بانکی، ایمن‌سازی، راه‌اندازی دفاتر تسهیلگری، تعریف فضای تجاری و سبز و همچنین پیش‌بینی‌هایی برای جابجایی و اسکان ۸۱۱ خانوار پهنه‌های خطر دانست. مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید جهت رفع فرسودگی و زوال، تجدید حیات شهری و اصلاح ساختارهای فقر کلان‌شهر اهواز، به رویکرد بازآفرینی پایدار محلات (با ویژگی‌های اجتماع مدار، کل‌نگر، جامع، استراتژیک و یکپارچه)، به‌عنوان بزرگ‌ترین جراحی در بافت‌های فرسوده که موجب گردش و تزریق سرمایه‌های عظیم در سطح محله و ارتقای کیفیت زندگی در آن‌ها می‌گردد روی آورند.

بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری بخصوص در مرکز شهرهای بزرگ به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی مانند برخورداری از موقعیت مناسب شهری، خدمات زیربنایی و محیط اجتماعی ریشه‌دار دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای هستند که در صورت توجه به آن‌ها قادر خواهند بود با کمترین هزینه لازم بخش قابل‌توجهی از فضاهای سکونتی موردنیاز فعلی و آتی شهر را تأمین کنند. به لحاظ اقتصادی شرط لازم برای فرسودگی زدایی و کاهش فقر، تسهیل‌گری و ایجاد تعامل میان سازندگان، ساکنان بافت و مدیریت شهری از یک‌سو و برقراری ارتباط میان الگوهای نوسازی مدرن و الگوهای سنتی فرهنگ گرا و هویت محور از سوی دیگر است تا شیوه‌های نوسازی مدرن را با علقه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی بافت هماهنگ سازد. برای کاهش فقر شهری ابتدا نیاز به شناخت صحیح، سنجش دقیق، تحلیل مستند و واقع‌گرایانه آن داریم. چنین شناختی نیازمند تعریف، ابداع و به‌کارگیری نماگرها، شاخص‌ها و روش‌های مناسب است که با واقعیات موجود توسعه شهری در انطباق باشد. کاربرد این شاخص‌ها بایستی باهدف ارتقای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی-محیطی و بهبود شرایط سکونت و امنیت فردی و عمومی انجام‌گرفته و به افزایش اقتدار و توانمندی شهروندان برای تحقق توسعه‌ای راستین یاری رساند.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از ادارات کل امور شهری و امور اجتماعی استانداری خوزستان، شهرداری و فرماندهی انتظامی کلان‌شهر اهواز، و ساکنان ۱۱ محله بافت فرسوده و ناکارآمد هدف پژوهش که در پر کردن پرسشنامه‌ها ما را در اجرای دقیق این تحقیق یاری کردند صمیمانه تشکر می‌نماییم.

منابع

- ۱) آروین، محمود؛ فرجی، امین و بذرافکن، شهرام. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی پهنه‌های فقر؛ مطالعه موردی، قائم‌شهر. اقتصاد شهری، ۳ (۲)، ۳۹-۵۶.
- ۲) امان‌پور، سعید. (۱۳۹۳). آمار مقدماتی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۳) ایران‌دوست، کیومرث. (۱۳۸۷). جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر. محله هفت شهر، ۱ (۲۳)، ۴۹-۴۰.
- ۴) برک‌پور، ناصر و اسدی، ایرج. (۱۳۸۸). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

- (۵) بمانیان، محمدرضا؛ رضایی‌راد، هادی و رضایی، مجید منصور. (۱۳۹۰). ارزیابی خصیصه‌های اقتصادی در شناسایی گستره‌های فقر شهری با استفاده از تکنیک Delphi و AHP؛ مطالعه موردی، شهر کاشمر. دو فصلنامه مدیریت شهری، ۹، ۱۶۹-۱۵۳.
- (۶) بمانیان، محمدرضا؛ رضایی‌راد، هادی و مهردادیان، امیر. (۱۳۹۰). سنجش اثرات مهاجرت به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تشخیص گستره فقر شهری سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از GIS؛ مطالعه موردی، شهر کاشمر. فصلنامه آمایش محیط، ۱۵، ۱۲۵-۱۴۶.
- (۷) پالیزیان، سیاوش؛ جودکی، حمیدرضا و رضویان، محمدتقی. (۱۳۸۹). اسکان غیررسمی و فقر مسکن، مطالعه موردی: شهر پاکدشت. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۱، ۱۳۲-۱۱۵.
- (۸) پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۲). کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا. تهران: انتشارات سمت.
- (۹) راغفر، حسین و صانعی، لیلا. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری آسیب‌پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران، یک روش شناسایی خانوارهای محروم. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۴۲۷-۳۸۹.
- (۱۰) رضایی، محمدرضا؛ علیان، مهدی و خاوریان، امیررضا. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۶ (۳)، ۶۹۵-۶۷۷.
- (۱۱) روستایی، شهریور و کرباسی، پوران. (۱۳۹۷). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فقر شهری در محلات شهر مراغه. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۹ (۲)، ۲۱۴-۱۹۷.
- (۱۲) رفیعیان، مجتبی و زاهد، نفیسه. (۱۴۰۰). مدل‌سازی میزان فرسودگی شهری و گونه شناسی بافت فرسوده شهری قم. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۵۳ (۲)، ۳۸۷-۳۶۵.
- (۱۳) زنگانه، احمد، تلخابی، حمیدرضا، گازرانی، فریدون (۱۳۹۴). گستره‌های فضایی فقر شهر اراک. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۲ (۱)، ۱۰۷-۹۳.
- (۱۴) شرکت عمران و بهسازی شهری ایران. (۱۳۹۳). چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار.
- (۱۵) صفایی‌پور، مسعود و شنبه‌پور، فرشته. (۱۳۹۸). آینده‌نگاری توسعه شهری مبتنی بر سناریونویسی (مطالعه موردی: کلان‌شهر اهواز). جغرافیا و روابط انسانی، زمستان، ۲ (۳)، ۴۷۵-۴۵۶.
- (۱۶) عبدی دانش‌پور، زهره. (۱۳۸۷). تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها. نشریه صفا، ۲۹، ۴۴-۳۷.
- (۱۷) عزیزی، منصور؛ موحد، علی؛ ساسانپور، فرزانه و کرده، نعمت. (۱۳۹۳). تحلیلی بر وضعیت فقر شهری؛ مطالعه موردی شهر مهاباد. مجله سپهر، ۲۳ (۹۰)، ۶۹-۶۰.
- (۱۸) قاسمی‌سیانی، محمد و حقی، مهدی. (۱۳۹۵). تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی؛ مطالعه موردی، نسیم شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶ (۲۴)، ۲۵۶-۲۴۵.
- (۱۹) محمدزاده، پرویز؛ فالاحی، فیروز و حکمتی فرید، صمد. (۱۳۹۰). بررسی فقر و عوامل تعیین‌کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲، ۶۴-۴۱.
- (۲۰) معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اهواز. (۱۳۹۸). آمارنامه کلان‌شهر اهواز. انتشارات اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل.
- (۲۱) موحد، علی؛ ولی نوری، سامان؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ زنگانه، احمد و کمانرودی کجوری موسی. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۴ (۳)، ۳۶-۱۹.
- (۲۲) نادمی، یونس و جلیلی کامجو، سیدپرویز. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر فقر مطلق و نسبی بر نابرابری شادی در ایران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۲ (۱)، ۲۶-۱.
- (۲۳) نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۴). راهبردهای کاهش فقر شهری با تأکید بر اجتماعات محلی؛ موردپژوهش، محله بی‌سیم شهر زنجان. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۲ (۷)، ۱۲۵-۱۰۷.

۲۴) نظریور دزکی، امیر؛ پریزادی، طاهر؛ حیدری‌نیا، سعید و نظریور دزکی، رضا. (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه محلات دارای فقر شهری با استفاده از تکنیک AIDA؛ مطالعه موردی، بافت فرسوده اهواز. فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۴ (۱۵)، ۱۳۴-۱۴۹.

۲۵) هادی‌زنوز، بهروز. (۱۳۷۹). ارتباط فقر و نابرابری با سیاست‌های اقتصادی دولت، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- 26) Akinyemi, F. O., & Biigirimana, F. (2012) A spatial Analysis of poverty in Kigali. *Rwanda journal*, 26(1), 3-22.
- 27) Andenas, M., Perelman, J., & Scharling, C. (2021). *The Fight Against Poverty and the Right to Development*. Springer.
- 28) Baud, I. S. A., Sridharan, N., & Pfeffe R. K. (2008) Mapping urban poverty for local governance in an Indian Mega-city: the case of delhi. *Urban studies*, 45(7), 1385-1412.
- 29) Bolay J. C., & Kern AL (2019) *Intermediary cities* In: *Wiley-Blackwell encyclopedia of urban and regional studies*-Wily-Blackwell, Hoboten. 207-221.
- 30) Bolay, J. C. (2020) *Urban Planning Against Poverty*. Springer.
- 31) Bray R., Robert. W., Marian de L., Xavier G., & Alberto, U. (2019) *The hidden dimenions of poverty*. Paris: International movement ATD for world; Bray, R. et al, (2020) *Realising Poverty in all its dimensions. A six country Participatory study*, world development in Press.
- 32) Chamahari, N. H., Karim H. A. & Hamdan H. (2012) Conceptual framework of urban poverty reduction: A review of literature procedia-social and Behavioral sciences, 68, 804-818
- 33) Liu, Y., & Wu, F. (2006) Urban Poverty neighborhoods: typology and spatial concentration under china's market transition A case study of Nanjing. *Geoforum*, 37(4), 610-626.
- 34) Lovra, E. (2016). Urban tissue typology and urban typology (1868-1918). *Spacial cases: Zagreb and Rijeka*. *Prostor: znanstveni časopis za arhitekturu i urbanizam*, 24 (2), 202-215.
- 35) Nagendra, H., Baiz, Brondisio E., & Lwasas, S. (2018). The urban south and the Pridicament of global transport sustainability. *Nat sustain*, 1, 341-349.
- 36) Moga, S. T. (2020). *Urban Lowlands: a history of neighborhoods, poverty, and planning*. The University of Chicago Press.
- 37) Orford, S. (2004.) Identifying and comparing changes in the spatial concentrations of urban poverty and affluence. A case study of inner London. *Computers. Environment and urban systems*. 28(6), 701-717.
- 38) Sanyal, R. (2015). Refugees and urban Poverty: A historical view from Calcutta. in the city in urban poverty, 137-157.
- 39) Thompson, J. P., & Smeeding, T. M. (2013) *Inequality and Poverty in the United States: the Aftermath of the Great Recession*. Finance and economics discussion series. Federal Reserve Board, Washington.
- 40) UNWTO. (2020). *Tourism and poverty reduction pathways to Prosperity*, Earthscan, Lodon.
- 41) Walter L. F., Anabela M. A., Luciana B., Amanda L. S., Pinar, G., & Ozuya. Tony W. (2021) *No Poverty*. Springer Nature Switzerland AG.
- 42) World Bank. (2017). *Annual reports*, World Bank.